

## شفا از منظر قرآن کریم (تحقیق دانشگاهی)

### مقدمه

بیماری و سلامت همواره یکی از مسائل اساسی زندگی انسان بوده، اما امروزه آنچه که سهم زیادی از تعاریف مربوط به سلامتی را به خود اختصاص داده، جنبه جسمی سلامت بوده و ابعاد دیگر آن به دلایل مختلف از جمله کم اهمیت جلوه دادن و نا آشنایی محققان این حوزه از نظر دور نگاه داشته شده است. اما از دیدگاه مکتب اسلام، جنبه های دیگر انسان بخصوص مسائل روحی-روانی از نظر تاثیر گذاری بر سلامت، خیلی مهمتر بوده و خیلی مورد توجه قرار گرفته است. در این خصوص راه رسیدن به سلامت کامل در قرآن از طریق برخورداری از شفای الهی میسر خواهد بود. به همین منظور شناخت معنای شفا و راه برخورداری از آن برای هر انسان مومنی لازم به نظر می رسد.

### روش تحقیق

برای انجام این پژوهش از روش جستجوی قرآنی استفاده شده است. برای این منظور، ابتدا آیاتی که در آن کلمه شفا و مشتقات آن استفاده شده، انتخاب شده است. سپس سیاقی که آن آیات در آنها بود معین شد. در ادامه مفاهیم موجود در آیه اصلی و سایر آیات سیاق استخراج شد و با کمک تفاسیر معتبر موجود مورد بررسی قرار گرفت. در نهایت نتایج به دست آمده طبقه بندی شده تا تصویری روشن از شفای مطرح شده در قرآن و ابعاد آن بدست آید.

### تعریف شفا

لفظ شفاء از ریشه کلمه "شفی" آمده که در قرآن هشت مرتبه ذکر شده است. بر اساس لغت نامه های معنیر این معانی فهمیده می شود:

۱- مشرف شدن بر چیزی (مثل غلبه و احاطه بر مریضی) = شفای / شفوا (شفا-شفا)

۲- آخرین نقطه مشرف بر چیزی (مثل آخرین نقطه مشرف بر چاه-قبل از سقوط - مابین سقوط و افتادن در چاه و نیفتادن اما

رو به افتادن) = شفا

۳- اولین نقطه خلاص شدن از چیزی (مثل اولین نقطه خلاص شدن از مریضی - مابین مریضی و سلامت اما رو به سلامت) =

شفا

بنابراین، شفا به معنی چیزی است که مشرف به نجات و نابودی باشد. به معنی نقطه آخر چیزی است. بر اساس آیات قرآن شفا به معنی پاکسازی و رحمت به معنی بازتوانی است.

از طرفی وقتی شفا مطرح شده پس مرضی هست [۱]. شفا در مقابل بیماری است. یعنی پاکسازی، به لغت فلاسفه تخلیه. رحمت بعد از آن یعنی نوسازی و تخلیه و راه نجات را هم از بین می برد [۲].

در آیات قرآن شفا نکره آمده، شاید برای اینکه حدود آن معلوم نیست و به تمام بیماری ها بر نمی گردد. شاید هم عظمت درمانی که انجام می شود را نشان می دهد.

### تعریف سلامتی، صحت و عافیت

سلامتی حالتی از تعادل بین اعمال جسم و روح است. بنابراین اگر از استعدادها و آنچه که خداوند به ما داده استفاده نکردیم، در حالت تعادل نیستیم. اگر افق دید انسان کم باشد. این بزرگترین بیماری است. امید به خدا داشتن شاخص اصلی سلامتی است.

در دعاها سلامتی به عنوان سلامت دنیا، دین و آخرت آمده است. عافیت نیز به عنوان سلامتی کامل ذکر شده است.

صحت یعنی تندرستی، یعنی همه اعضا و ارگانها در حالت درست کار خود را انجام دهند. اما سلامت یعنی هم عضو سالم باشد و هم کارکرد درست داشته باشد. عافیت یعنی اینکه اعضا صحیح و سالم و خوب کار می کنند و با یکدیگر به خوبی همکاری دارند. این عالیترین مرتبه سلامت در انسان است.

### رابطه شفا و هدایت

خداوند قرآن را مایه هدایت و شفا قرار داده است. البته با به نظر میرسد، در مرحله اول هدایت و در مرحله دوم شفاء [۳]. این شفا می تواند معانی مختلفی را در برگیرد. یعنی هم لفظ و آیات قرآن شفا دهنده است و هم مفاهیم مطرح شده و عمل به دستورات آن ضامن سلامتی انسان است. البته این هدایت و شفاء مخصوص کسانی است که ایمان آورده اند (هُوَ الَّذِي آمَنُوا هُدًى لِّشَفَاءِ)

وقتی کسی هدایت شد اولین نقطه رو به بالا یعنی سعادت را طی میکند لذا این شفاء است (هُوَ الَّذِي آمَنُوا هُدًى وَ شِفَاءً)

گوش و چشم انسان دو عضو مهم برای دریافت پیامهای محیطی و مفاهیم است، با توجه به پژوهش های صورت گرفته، این دو عضو به تنهایی ۸۸٪ در یادگیری انسان موثر هستند. بنابراین قرآن نیز کارایی یا عدم کارایی آنها را در هدایت انسان موثر دانسته است. عدم وجود ایمان سبب می شود کارایی و ارتباط این اعضا از بین برود. مانند اینکه شخص کور و کر است و در نتیجه پیام الهی راهی را برای رسیدن به قلب آدمی پیدا نخواهد کرد.

با بررسی مفاهیم آیات قبلی این سیاق، می توان برخی از عوامل موثر در هدایت و در نتیجه برخورداری از شفای الهی را برشمرد. شاید بهترین کاری که باعث میشود انسان به هدایت و شفاء برسد دعوت به سوی خدا و عمل صالح و سپس مسلمان (تسلیم حقیقی) شدن است [۴]. حسن برخورد در برابر بدی دیگران هم برای خود آن شخص و هم برای دیگران باعث هدایت و سپس شفاء میشود [۵]. اما در مقابل وساوس شیطان باعث دوری از هدایت و شفاء میشود و به همین منظور خداوند در موارد متعدد انسان را از او بر حذر داشته است [۶]. یکی از عوامل هدایت و نزدیک شدن به شفاء سجده کردن و عبادت پروردگار است که اثرات معنوی و مادی گوناگونی بر آن مترتب است [۷].

## رابطه شفا و بیماری

وَ إِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ (سوره شعرا، آیه ۸۰)

در این آیه شفاء بعد از مریضی آمده است. (پس باید مریضی وجود داشته باشد تا شفاء صورت بگیرد). شفاء از جانب خدا باید باشد. بیماری یک مسئله همیشگی و جزء زندگی انسان است باید توجه داشت که بیماری یک اصل نیست و سلامت اصل وجودی انسان است. بیماری ماضی آمده و شفاء مضارع آمده لذا شفاء همیشگی و مستمر است. با توجه به ضمائر بکار رفته در این آیه و آیات قبل از آن، عامل مریض شدن خود انسان است. (مرضت)

بر اساس مفاهیم آیات قبلی موارد زیر را می توان سبب سلامت و بیماری دانست:

۱. شرک و بت پرستی باعث مریضی می شود (تمام آیات قبل از آیه اصلی در این سیاق)

۲. هدایت باعث شفاء و شفاء باعث حرکت به سوی خداوند میشود و بعد از آن به مهمترین مسئله و بالاترین درجه که همان

قلب سلیم است می توان رسید که خداوند بعد از طی مراتبی به بنده خود می دهد (نتیجه شفاء = قلب سلیم) (فَهُوَ يَهْدِينِ ...

فَهُوَ يَشْفِينِ ... إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ (۸۹))

۳. اگر کسی مومن باشد باید این مراتب را به ترتیب طی کند ولی اکثر مسلمانان مومن نیستند (وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ

((۱۰۳))

## رابطه شفا و رحمت

وَنَزَّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَ لَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا (اسرا-۸۲)

قرآن هم موجب شفاء و رحمت است و هم موجب خسارت و خسران. رحمت بعد از شفاء ذکر شده است بنابراین شاید اول باید شفاء صورت بگیرد و بعد انسان مورد رحمت قرار گیرد. با توجه به این ایه شفاء و رحمت مخصوص مومنین است. یعنی اگر به قرآن ایمان داشته باشیم شفاء و رحمت خواهد بود و اگر معتقد نباشیم جز خسارت چیزی دیگری نخواهد بود. مومن در مقابل ظالم قرار گرفته است شاید نشانه آن باشد که اگر مسلمانی از قرآن شفاء و سپس رحمت را دریافت کرد این شخص مومن است و اگر این چنین نبود این شخص اگر چه مسلمان است ولی ظالم است.

ذکر عبارت "من القرآن" نشانه آن است که هر جزء قرآن به تنهایی هم شفاء و رحمت است.

## تغذیه شفا بخش

امروزه نقش تغذیه در سلامت انسان بر کسی پوشیده نیست. متاسفانه توجه اکثر مردم بر میزان غذائیت یا انرژی زایی مواد غذایی است و همه در صدد رساندن گروه های مختلف غذایی و ویتامین ها به بدن می باشند؛ ولی با این وجود کمتر کسی است که از وضع سلامت خود راضی باشد. از طرفی، نکاتی در تغذیه مورد بی توجهی ما قرار می گیرد که می تواند ابعاد مختلف رفتاری و جسمی ما را متحول نموده، انسان را به صراط مستقیم هدایت کرده و حرکت انسان را در مسیر کمال تسریع نماید. تغذیه آنقدر مهم است که می تواند باعث شود اخلاق را حَسَن یا زشت گرداند.

تغذیه باید به گونه ای باشد که انسان بعد از مصرف آن به مردم کمک و خدمت کند و باعث شفاء برای دیگران شود.

نباید از نعمت های الهی سوء استفاده نمود (نباید از خرما و انگور و... شراب درست شود) [۸] و برای این که ما عبرت بگیریم در مورد زنبور صحبت می کند که از شهد تلخ گل ها عسلی را تولید می کند که خوردن آن شفاءی مریضی های روحی و جسمی خواهد بود [۹].

## زنبور عسل یکی از مظاهر شفا در قرآن

در قرآن نام بسیاری از مخلوقات آورده شده و احکام مربوط به هر یک و فواید و چگونگی استفاده از آنان نیز آورده شده است. اما در این میان زنبور عسل از وضعیت ممتاز و متفاوتی برخوردار است زیرا خداوند در مورد این حیوان از واژه شفا استفاده کرده است. و این مسئله نشان از جایگاه ویژه زنبور عسل و محصول تولید شده توسط او دارد. در عسل برای تمام مردم چه دیندار و چه بی دین شفاء است. در قرآن زنبور در ردیف حیوانات قرار گرفته است. اگر زنبور عسل از بین برود ۱۰۰ هزار نوع گل و گیاه نیز از بین می رود.

زنبور عسل برای تهیه یک کیلو عسل، مسافتی معادل ۷ برابر دور کره زمین را می پیماید. ۱۰ میلیون گل استفاده می کند. ۶ برابر بهترین رایانه ها قدرت تشخیص دارد. خدا از گزینه ای که در وجود زنبور عسل گذاشته به وحی یاد می کند [۱۰].

زنبور عسل برای تهیه عسل و جمع آوری گرده از راهها و مسیرهای مختلف حرکت میکند. این راهها از سوی خدای متعال معین شده است زنبور از هر گل بی خاصیت و گرده بی ارزشی استفاده نمی کند. در آیه مورد بحث از واژه زلز استفاده شده که در مورد شتر بکار می برند. یعنی راه را گم نمی کند.

بطون جمع آورده شده است شاید اشاره شود به اصل تروفالاکسی در جانوران. و اشاره شده باشد که عسل باید گروهی تهیه شود و نمیشود یک زنبور به تنهایی عسل تولید کند با توجه به کلمه بطون در آیه، شفا فقط در عسل، موم و ژله رویال است ولی در مورد نیش زنبور شاید نتوان تعمیم داد.

در روایات آمده که «علیکم بشفاعین، قرآن و عسل» در جای دیگری نیز ذکر شده که اگر شفا در چیزی باشد در حجامت و آب عسل است. با توجه به این آیه عسل را نباید پخت چون شراب است و غذا نیست [۱۱].

عسل دارای انواع مختلف است که از روی رنگ قابل تشخیص است. رنگ عسل بر حسب فصل و خوراک و سن زنبور متفاوت است. سن زنبور نیز با رنگ آن هماهنگی دارد. زنبور پیر قرمز، زنبور جوان سفید و زنبور میانسال زرد رنگ است. عسلی که از شکم زنبور عسل در آید شفاء است نه هر گونه عسل (شاید بشود به گونه ای دیگر عسل تهیه کرد)

غذای زنبور عسل متنوع و از انواع مختلف است. زنبور از چیزهایی استفاده می کند که بالقوه ثمره هستند. یعنی از شهد گلها به ثمره تعبیر شده، یعنی ما هم می توانیم از آن استفاده کنیم (مثلا گرده گل) شهد گلها هم یک نوع ثمره است لذا میشود انسان نیز از آن استفاده نماید. عسل باید از راهایی که خدا برای زنبور تعیین کرده تولید شود مثل شهد گل های مفید و....

زنبور باید از ثمرات میل کند نه از چیزهایی که ثمره آن ها هنوز درست نشده (یعنی زنبور از شهد گل هایی که رسیده اند و ثمره آنها برای استفاده زنبور آماده شده مصرف نماید).

خانه زنبور عسل همیشه در ارتفاعات است تا آلودگی ها بی زمین به او سرایت نکند (... مِمَّا يَعْرِشُونَ (آیه ۶۸))

خانه زنبور جمع بسته شده است (بیوت) اشاره به خانه های کندو دارد یا به اینکه هر زنبوری برای خویش خانه ای را تعیین نمی کند و همیشه باهم کار می کنند و فرقی بین خانه های یکدیگر ندارند. از لحاظ درجه بندی کیفیت عسل، بهترین عسل آن عسلی است که از کوه جمع آوری شود (۱- عسل کوهی) و بعد از آن عسلی است که از درختان تهیه شود یعنی کندو زنبور روی درخت باشد و در آن جا درست شود (۲- عسل درختی) و بعد از آن عسلی که از هر بلندی و سقفی تهیه شود (۳- عسل عرشی) [۱۲]. از بیان قرآن می شود که فهمید که کندو عسل باید از زمین فاصله داشته باشد [۱۳]. شاید همانطور که در طبیعت است عسلی که در مکان ها بالا تولید شود اثر بهتر برای درمان بگذارد (... مِمَّا يَعْرِشُونَ (۶۸))

مسئله عسل و شفاء آن برای متفکرین و علماء مسئله مهمی خواهد بود افراد متفکر به اسرار و رموز این مسئله پی می برند در صورتی عسل به همه مردم شفاء می دهد که برای طریقه مصرف آن بسیار فکر کرد و برای هر کسی از طریق های مختلف بهترین آن را انتخاب نماییم. باید از حیوانات عبرت بگیریم که چگونه از مواد غذایی بهترین چیزها را تولید می کنند [۱۴] (آنچنان چیزی را تولید می کند که شفاء است).

### توجه به موعظه برای رسیدن به شفا

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ (سوره یونس، آیه ۵۷)

در این آیه دعوت عمومی همه مردم به سمت موعظه الهی است. قد که بر روی جاتکم آمده برای این است که تاکید باشد که حتما قرآن برای ناس موعظه است. این موعظه شفاءی آنچیزهایی است که در صدر و جود دارد و می تواند باشد. این موعظه هدایت و رحمتی برای مومنین است.

در سینه ها چه چیز های میباشد که نیازمند شفا است (شک و ریب و...)? آنچه در صدر هست قرآن شفاءی آن خواهد بود و ظاهرا فرقی بین مومن یا مسلمان بودن و... نیست. صدر جمع و معرفه آمده است لذا همه سینه ها را شامل میشود. شاید شفاء لما فی الصدور یعنی آنچیزهایی که روی فطرت انسان را گرفته و کدر کرده است را پاک میکند.

انسان اول باید موعظه را بپذیرد و بعد به شفاء برسد، در این صورت هدایت و رحمت شامل حال او خواهد شد.

قرآن برای همه مردم آمده است و وقتی که موعظه بودن قرآن را قبول کرد (به آن عمل نمود) به دایره مسلمانان می‌آید و اگر به شفاء هم رسید به درجه مومن نائل می‌گردد که در آن زمان است که هدایت و رحمت را میتواند دریافت نماید. بنابراین هدایت و رحمت مخصوص مومنین است.

## شفا در قرآن و توسط قرآن به چه معناست؟

با توجه به تفسیر سوره اسراء، قرآن شفا دهنده امراض روحی است. و مرضی که در دلهاست غیر کفر و نفاق است [۱۵]. و کفر و مرض قلبی جدای از هم هستند. [۱۶]

قرآن دوايي است که هیچ بیماری از آن برنمی‌خیزد و هیچ گاه کهنه نمی‌شود. عمل به قرآن شفا است و خواندن صرف از روی قرآن سبب خسران است.

نکته دیگر این است که شفا یافته قرآن خودش می‌تواند سبب شفای همه شود. اشتباه در کارش ندارد و مشابهی در دنیا ندارد. شفای قرآن با شفای داروهای مادّی تفاوت‌های زیادی دارد. داروی قرآن، ضرری را به دنبال ندارد، کهنه نمی‌شود و تاریخ مصرف ندارد. شفا یافته‌ی قرآن عامل شفای دیگران می‌شود. در نسخه‌ی شفای قرآن اشتباه نیست، همیشه و در اختیار همه است، طبیب این دارو، هم ما را می‌شناسد، هم دوستان دارد و هم نتیجه‌ی نسخه‌اش ابدی است، نسخه و داروی او هم مشابه ندارد. [۱۷]

## بحث و نتیجه گیری

### ایمان رمز برخورداری از شفای الهی

با توجه به آیات مورد مطالعه، این نکته به اتفاق مورد تاکید قرار گرفته است که هدایت، شفا و رحمت مخصوص کسانی است که ایمان آورده اند. بی ایمانان از شفاء و هدایت توسط قرآن بی بهره هستند [۱۸]. ثمره ایمان که همان تقواست سبب می‌شود، انسان قلبی سلیم پیدا کند. به نظر می‌رسد با در کنار هم گذاشتن شفا، رحمت و هدایت این نکته قابل ذکر باشد که خود این رحمت و هدایت جنبه‌هایی از شفا و خود این شفا گوشه‌ای از رحمت الهی است که نصیب مومنان با تعریف خاص خود می‌شود. همه آنچه گفته شد نیز تنها در سایه ایمان محقق می‌گردد. بی ایمانان با قرآن فاصله زیادی دارند (یعنی مصداق لا یمسه الا المطهرون - أولئک ینادون من مکانٍ بَعیدٍ). شفاء قرآن در صورت نزدیک بودن به او میسر می‌شود (أولئک ینادون من مکانٍ بَعیدٍ)

در این آیات صفات مومنان که انسان را به این مرحله می رساند نیز بیان شده است. انجام عمل صالح، تسلیم حق بودن، احسان، ذکر خدا، صبر، سجده برای خدا، پناه بردن به خدا از شر شیطان، حرکت در مسیر الهی، تلاوت قرآن در سحرگاهان، برپاداشتن نماز شب، انس با قرآن از جمله این صفات می باشد.

ایمان سبب می شود که انسان از موعظه الهی بهره مند شود وگرنه دیگر سخن پروردگار موعظه نخواهد بود بلکه سبب خسران آدمی می شود.

## لوازمات قرار گرفتن در معرض شفای الهی

علاوه بر ایمان که شاخصه اصلی در این زمینه است، باید چشمی بینا و گوشی شنوای سخنان حق داشت. به عبارتی، هدایت با واسطه گوش و چشم انجام میگیرد. قرآن را باید با گوش دل و اعتقاد گوش داد تا هدایت و شفاء باشد، زیرا کفار هم گوش ظاهری را دارند اما نمی توانند سخن حق را شنیده و بپذیرند و به حقائق درسترسی ندارد. (وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرٌ وَ هُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى)

تمامی صفاتی که در مورد مومنان حقیقی برشمردیم، در حقیقت ملزومات قرار گرفتن در مسیر الهی است. علاوه بر آن، کسانی که بخواهند به شفاء قرآن دست پیدا کنند باید صابر باشند و دارای بهره بزرگی از تقوا باشند (وَمَا يَلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يَلْقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ (سوره فصلت، آیه ۳۵))

علاوه بر آمادگی های روحی، جسم انسان نیز باید آمادگی این پذیرش را داشته باشد و به همین سبب غذای حرام یا خبیث در این مقوله جایگاهی ندارد و تنها غذای طیب و پاک است که جسم و در نتیجه روح آدمی را آماده می کند. در همین رابطه تاکید قرآن کریم به استفاده درست بشر از نعمت هایی است که خدا به عنوان غذا در اختیار ما قرار داده است، در حالیکه بشر با ضایع نمودن این نعمت ها، در حقیقت زمینه نابودی و انحطاط خویش را مهیا نموده است.

در آیات دیگری نیز خداوند از توبه و دوری از شیطان به عنوان دو عامل دیگر برای برخورداری از شفا و رسیدن به قلب سلیم یاد می کند.

**هدایت:** در سوره شعرا هدایت بصورت عام و شفا خاص ذکر شده و این نشان دهنده اهمیت مطلب است. همچنین می توان گفت هدایت امری ادامه دار است و انسان رها نشده است. با توجه به این سوره، خود انسان مسبب بیماریش است و خدا شفا دهنده است. شفای روح و جسم باید در کنار هم تامین باشد تا انسان به سعادت برسد.



می توان گفت همین بخشش گناهان و طلب مغفرت خود نوعی شفا است و از طرف دیگر کسی که توبه نکند و استغفار ننماید، مورد شفا قرار نگرفته و به سلامت حقیقی دست پیدا نخواهد کرد.

ذکر خداوند: ذکر به معنای یادآوری است، یعنی خداوند همه چیز را در فطرت ما قرار داده و قبلاً به ما آموخته است. قرآن و انبیا برای یادآوری اینها آمده است. پس یک فطرت سالم خود نیز می تواند راه های کسب سلامتی و دوری از بیماری را خود می داند و کاری نمی کند که به سلامتی خود لطمه ای وارد شود.

تداوم ذکر خداوند کوتاهترین راه برای رسیدن به آرامش. ذکر خداوند غذای روح انسان است. بنابراین رویگردانی از ذکر خداوند باعث ایجاد سختی در زندگی انسان می گردد.

## نماز و قرائت قرآن

أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ لِتُؤْتِرَ الْفَجْرَ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا (۷۸) وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا (۷۹) (سوره مبارکه اسرا)

بی شک نماز یکی از اسباب و و لوازمات قرار گرفتن در معرض شفای الهی است. هم اکنون تاثیرات متنوع جسمی و روحی نماز بر کسی پوشیده نیست. اما با این حال هنوز هم از قدرت آن در راستای سلامتی انسان غافلیم و اهمیت این موضوع را در عمل درک نکرده ایم. بخصوص اوقات برخی نمازها مانند نافله شب و نماز صبح از منظر قرآن جایگاه ویژه ای دارد.

در ادامه نیز، قرائت قرآن بعد از نمازها بخصوص نماز صبح راه نزدیک برای شفاء گرفتن از قرآن است. شاید بتوان گفت یک راه میان بر برای رسیدن به شفاء قرآن، نماز شب و قرائت قرآن در سحرگاهان باشد.

## ثمرات شفای الهی

اگر انسان از آن ایمانی که گفته شد برخوردار باشد و با عمل صالح و سایر مواردی که ذکر شد خود را در مسیر شفای الهی قرار دهد و موانع این مسیر را نیز از میان بردارد، می تواند در زمره صالحین قرار گیرد. مومنینی که مورد شفاء قرآن قرار گرفته اند همیشه همراه حق هستند لذا مصداق حق میشوند و هر جا که آنها حضور پیدا کنند باطل از بین می رود. [۱۹]

انسان سالم می تواند وارث بهشت جاودان باشد. یعنی ادامه زندگی ابدی خود را بیمه می کند و در این مدت کوتاه زندگی دنیایی خود کاری کند که ادامه مدت زندگی خود را در سلامت به سر ببرد. در همین دنیا نیز باعث می شود که انسان دارای قلبی سلیم باشد. و اگر هم غیظی در سینه مومن باشد، حتی اگر از جانب کافران باشد، با قرار گرفتن در این مسیر توسط

خداوند شفا می یابد و سینه آماده می شود تا به سلامت حقیقی قلبی دست یابد [۲۰]. حال این مسئله که منظور از قلب چیست در جای خود قابل بحث است ولی با توجه به ظاهر آیه می توان برداشت کرد که یکی از معانی آن همین عضو فعال بدن انسان باشد. پر واضح است که قلب انسان مرکز ثقل و فرماندهی انسان می باشد و از ابتدای جنینی حرکت و فعالیت خود را شروع نموده و تا پایان عمر به فعالیت خود ادامه می دهد [۲۱]. بنابراین سلامت قلب انسان سهم زیادی در سلامت عمومی انسان می تواند داشته باشد. به عبارتی، کسی که در دنیا به قلب سلیم برسد، همین دنیا برایش بهشت می شود. بنا به فرمایش مولای متقیان، قلب سلیم خود می تواند هدایتگر انسان در مسیر درست زندگی باشد که در نتیجه خود ضامن سلامت در همه ابعاد انسانی است. انسان در چنین چرخه ای مسیر کمال را به درستی طی نموده و در حال صحت و سلامت به ملاقات پروردگار خویش می رود.

در جمع بندی مطالب عنوان شده می توان گفت، قرآن نگاه ویژه ای به مسئله سلامت انسان دارد و حتی بهبودی او پس از بیماری و یا ارتقای سلامت انسان باید بر طبق قاعده و قانونی باشد که با خلقت بشر سازگاری داشته باشد؛ در صورتی که مسئله صحت و سلامت و بهبودی و درمان در نگاه ما بسیار سطحی و ناقص و یا حتی دور از فطرت الهی انسان است و برای رسیدن به سطح پایینی از سلامتی گاه حاضریم گوهر انسانی خود را زیر پا بگذاریم، تا جایی که حتی متوسل شدن به روشهای نادرست و غیر شرعی را با مسائل گوناگون توجیه می کنیم. در حالیکه بنا به فرموده قرآن کریم اگر تقوی پیشه می کردیم و تعریف درستی از محدوده و قلمرو طب داشتیم خداوند خود راه های رسیدن به سلامتی را به ما نشان میداد، زیرا خداوند حکیم خواستار بیماری و بیچارگی بندگان خود نیست و خود بهترین و برترین بندگان خود را دارای سلامت حقیقی معرفی کرده است. با توجه به آیات مورد بررسی، شفا مرتبه ای والا و بالاست که خداوند به مومنین وعده داده و آنها را بهره مند می گرداند، زیرا بطور طبیعی بندگان بی ایمان خود با اعمال نادرستشان از دایره رحمت خاصه حق دوری می کنند. به نظر نگارندگان مقاله، این شفا خود دارای مراتبی است که در نهایت منجر به سلامت قلبی انسان و اوج کمال انسانی منتهی خواهد شد. اما بررسی بیشتر در این زمینه نیازمند مطالعه دقیقتر در کتب روایی و ادعیه معتبر در دسترس می باشد که خود می تواند زمینه پژوهشی دیگر را فراهم نماید.

۱- پایه چهارم حوزه علمیه، عضو انجمن تحقیقات طب سنتی ایران

۲- پزشک عمومی، دانشجوی دکتری تخصصی طب سنتی، عضو انجمن تحقیقات طب سنتی ایران

۳- دانشجوی پزشکی، دبیرانجمن تحقیقات طب سنتی ایران

۴- کارشناس ادبیات، عضو انجمن تحقیقات طب سنتی ایران

۵- کارشناس سطح دو حوزه علمیه، عضو انجمن تحقیقات طب سنتی ایران

نویسنده مسئول: یوسف اصغری، تلفن تماس: ۰۲۱۸۸۹۸۶۳۸۷

### چکیده:

**مقدمه:** از دیدگاه مکتب اسلام، ابعاد گوناگون انسان بخصوص مسائل روحی-روانی از نظر تاثیر گذاری بر سلامت، بسیار مهم بوده و مورد توجه قرار گرفته است. در این خصوص راه رسیدن به سلامت کامل در قرآن از طریق برخورداری از شفای الهی میسر خواهد بود. به همین منظور شناخت معنای شفا و راه برخورداری از آن برای هر انسان مومنی لازم به نظر می‌رسد.

**روش تحقیق:** برای انجام این پژوهش از روش جستجوی قرآنی استفاده شده است. ابتدا آیاتی که در آن کلمه شفا و مشتقات آن استفاده شده، انتخاب شده است. سپس سیاقی که آن آیات در آنها بود معین شد. در ادامه مفاهیم موجود در آیه اصلی و سایر آیات سیاق استخراج شد و با کمک منابع روایی و تفاسیر موجود مورد بررسی قرار گرفت. در نهایت نتایج به دست آمده طبقه بندی شده تا بتوان تصویری روشن از شفای مطرح شده در قرآن و ابعاد آن بدست آید.

یافته ها: با بررسی آیات می توان به رابطه بین شفا با رحمت، هدایت، ایمان و رابطه آن با مواردی چون تغذیه و موعظه پی برد که تک تک این موارد در مقاله به تفصیل بحث شده است. معنای شفا، سلامتی و بیماری نیز به درک مطالب موجود کمک می کند.

**بحث و نتیجه گیری:** قرآن نگاه ویژه ای به مسئله سلامت انسان دارد و حتی بهبودی او پس از بیماری و یا ارتقای سلامت انسان باید بر طبق قاعده و قانونی باشد که با خلقت بشر سازگاری داشته باشد؛ اگر انسان از آن ایمانی که منظور نظر قرآن است، برخوردار باشد و خود را در مسیر شفای الهی قرار داده و موانع این مسیر را نیز از میان بردارد، می تواند در زمره صالحین قرار

گیرد. بنابراین، شفا مرتبه ای والا و بالاست که خداوند به مومنین وعده داده و آنها را بهره‌مند می‌گرداند، مومنینی که مورد شفاء قرآن قرار گرفته اند همیشه همراه حق هستند لذا مصداق حق می‌شوند و هر جا که آنها حضور پیدا کنند باطل از بین می‌رود. افق و نهایت این مرحله نیز داشتن قلب سلیم است و انسانی که دارای قلب سلیم باشد، یعنی به آنچه که منظور نظر آفریدگار خود بوده رسیده است.

## فهرست منابع:

- ۱- قرآن کریم
- ۲- تفسیر نمونه (تفسیر سوره های توبه، یونس، اسراء، شعراء، نحل و فصلت)
- ۳- ترجمه تفسیر المیزان (تفسیر سوره های توبه، یونس، اسراء، شعراء، نحل و فصلت)
- ۴- محسن قرائتی، تفسیر نور (تفسیر سوره های توبه، یونس، اسراء، شعراء، نحل و فصلت)
- ۵- التحقیق فی کلمات القرآن، جلد ۶، صفحه ۹۱-۹۳
- ۶- قاموس قرآن، ج ۴، ص: ۵۸
- ۷- المفردات فی غریب القرآن، ص: ۴۵۹
- ۸- لسان العرب، ج ۱۴، ص: ۴۳۶
- ۹- کتاب العین، ج ۶، ص: ۲۹۰
- ۱۰- الشریف الرضی، ترجمه محمد دشتی، نهج البلاغه امام علی (ع)، ناشر: الهادی، ۱۳۸۳
- ۱۱- سید مهدی تقوی، [سخنرانی]، همایش ملی سلامت از دیدگاه قرآن کریم، اسفندماه ۱۳۸۹
- ۱۲- محمدفاضل صدیقی، برخی عوامل تاثیرگذار بر آرامش روحی از دیدگاه قرآن با محوریت سوره کهف، همایش ملی سلامت از دیدگاه قرآن کریم، اسفندماه ۱۳۸۹
- ۱۳- سودابه حسن زاده، نقش حواس شنوایی و بینایی در اندیشیدن و یادگیری از منظر قرآن کریم، همایش ملی سلامت از دیدگاه قرآن کریم، اسفندماه ۱۳۸۹
- ۱۴- یوسف حمیدزاده اربابی، معنا و مفهوم صحت، سلامت، عافیت، سلام و شفا و مصادیقی از آنها در قرآن و ادعیه، همایش ملی سلامت از دیدگاه قرآن کریم، اسفندماه ۱۳۸۹
- ۱۵- مرتضی عسگری، ترجمه کاظمی خلخالی، طب و درمان در اسلام (شرح طب الرضاع) و طب الصادق (ع)، ناشر: سلمان فارسی، ۱۳۸۷
- ۱۶- جزوه شفا در قرآن، دارالقرآن کریم کرج، ۱۳۸۹

[۱] - ترجمه المیزان، ج ۱۳، ص: ۲۵

[۲] - تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص: ۲۳

[۳] - هُدَى وَشِفَاءٌ - سوره فصلت ۴۴

[۴] - وَمَنَّا حُسْنُقَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ، سوره فصلت، آیه ۳۳

[۵] - ادْفَعِ الْبَأْسَ الَّذِي يَأْتِي أَحْسَنُ فَاذًا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ، سوره فصلت، آیه ۳۴

[۶] - وَإِنَّمَا يَنْزَعَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعًا فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ، سوره فصلت، آیه ۳۶

[۷] - وَأَسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِنَّا نَكُنُّنَّ مِمَّا يَهْتَعِبُونَ، سوره فصلت، آیه ۳۷

[۸] -...تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا... (سوره نحل، آیه ۶۷)

[۹] -...فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ... (سوره نحل، آیه ۶۹)

[۱۰] - ﴿وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ...﴾ (سوره نحل، آیه ۶۸)

[۱۱] - تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص: ۳۰۵

[۱۲] - إِنَّا تَخَذْنَا مِنَ الْجِبَالِ لَبِيبًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ (سوره نحل، آیه ۶۸)

[۱۳] - سوره نحل، آیه ۶۸

[۱۴] - ﴿وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً﴾ (سوره نحل، آیه ۶۶)

[۱۵] - سوره احزاب، آیه ۶۰

[۱۶] - سوره مدثر، آیه ۳۱

[۱۷] - تفسیر نور، ج ۷، ص: ۱۱۰

[۱۸] - وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقُرْءَانُهُمْ عَلَيْهِمْ عَمًى أُولَٰئِكَ يَنَادُونَ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ (سوره فصلت، آیه ۴۴)

[۱۹] - وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَالزَّهْقُ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا (سوره اسراء، آیه ۸۱)

[۲۰] - سوره توبه، آیه ۱۰۹

[۲۱] - مرتضیٰ عسگری، ترجمه کاظمی خلخالی، طب و درمان در اسلام (شرح طب الرضا(ع) و طب الصادق(ع))، ناشر: سلمان فارسی، ۱۳۸۷